



برخی از رویدادهای ایران و جهان

برای اعضاء و هواداران

۲۰ تیر ۱۳۶۱

● ایران

● یک پیروزی پرمعنا

در هفته گذشته لایحه مربوط به "طرح خط مشی کلی صدا و سیما" جمهوری اسلامی ایران، در مجلس به تصویب رسید. نفس خود این طرح و مشی آینده فراگیرترین و موثرترین وسیله ارتباط جمعی البته به خودی خود حائز اهمیت فراوانی است. ولی آنچه در تحلیل این رویداد هفته باید بدان توجه داشت، رویارویی "خط"ها در برابر مهمترین نکات گرهی این طرح بود. بحث در باره "این خط مشی" مناسبت تازه ای شد، تا جانبداران خط امام خود را با طیفی از مخالفان روبرو ببینند، که به بهانه های مختلف می کوشیدند هر چه بتوانند، از خط مشی مردمی و دموکراتیک و ستکبری ضد امرپالیستی و ضد استبدادی خط امام بکاهند و پسا لاف آن را مخدوش سازند. در طول هفته قبل - بجز برخی استثناهای نادر - درست همان مواد و شمره های مورد ايراد وجدل واقع

می گردید و پیشنهاد "حذف" آنها داده میشد، که بیانگر چنینی غمگینها و ستکبریهایی بودند. ولی جریان بحثها و رای گیریها و تصویب نهائی "طرح خط مشی کلی..." نشان داد که خط امام نه تنها در سطح جامعه و در بین مردم انقلابی ما، که در درون مجلس شورای اسلامی نیز دارای توان قابل ملاحظه ای است و کاملاً قدرت و ظرفیت آن را دارد که علیرغم هجوم همه جانبه دشمنان آشکار و پنهان و علیرغم همه توطئه ها و خرابکاریهای مخالفان عیسوی و دوستان نادان، طرحهای اصولی و برنامه های آینده ساز و قوانین بنیادی لازم را برای تعمیق و گسترش انقلاب بتصویب رساند و پیروز به مرحله عمل درآورد. نگاهی به مضمون برخی از مواد مورد اختلاف اساس برخورد دو "خط" را روشن تر نمایان می سازد.

مخالفان، مخالف بودند که صدا و سیما "زبان گویای ملت و چشم و گوش حساس کشور" باشد و "نیازها و خواستها و مشکلات مردم را به اطلاع مسئولان برساند". (ماده ۱۵) خط امامی ها، از جمله موارد برنامه های غیر قابل بخش، آن برنامه هایی را میدانستند که حاوی "تیمت به گروهها و جمعیتها و اجزایی که طبق قانون احزاب فعالیت آنها قانونی است"، باشد و با "سبب تشنج گردد" و پسا "به روابط دوستانه با کشورهای برادر و دوست لطمه وارد نکند". (ماده ۱۹) مخالفان موکداً "حذف" این مطالب را خواستار بودند. مخالفان از بنیاد با این اندیشه که توسط راديو تلویزیون "جلسات مناظره و احتجاج و برخورد سازنده با صاحبان مکاتب و اندیشه ها... تشکیل شود (ماده ۲۵) مخالف بودند و حذف کامل آنها می طلبیدند. موافقان می خواستند که "بحثهای آزاد و آموزنده میان

احزاب و سازمانهای سیاسی قانونی کشور" سازمان داده شود و پسا "افشای گروههای ضد انقلاب" پرداخته شود (ماده ۵۵). مخالفان اصلاحات به شنیدن چنین مطلبی نبودند. محتوی طبقاتی بحث و ریشه نهائی همه این مخالفتها و پیشنهاد "حذف" مکرر در مکتور هنگامی آشکار شد، که مسئله "زمینه سازی برای از بین بردن روابط ظالمانه و استعماری و تحکیم روابط عادلانه اقتصادی"، بعنوان یکی از وظایف صدا و سیما، مطرح شد (ماده ۵۷). در این ماده تصریح شده بود، "گازگران و کشاورزان سنگ بنای تکامل تولید کشور محسوب می شوند". مخالفان البته شدیداً پیشنهاد حذف این جمله را دادند. مگر میشود از راديو تلویزیون درباره الفای مناسبات غیر عادلانه و استعماری - که همه میدانند چیزی جز روابط سرمایه داری و بزرگ مالکی و فارتگری توریبستهای اقتصادی نیست - صحبت کرد و خواب خوش آریایان و دلالان سرمایه داران و واسطه ها را آشفته ساخت؟ اینها تنها چند نمونه بود. ولی گاهی برای آنکه تمامی ابعاد موضوع مورد اختلاف را نشان دهد، خوشبختانه در تمام این موارد، برد با موافقان بود و مخالفان نتوانستند در تصمیم پیروان راستین خط امام خلل وارد سازند و از "طرح خط مشی"، شریبی پال و دم و استکمی تحویل دهند.

به این ترتیب در تحلیل اهمیت موفقیتی که پیروان خط امام در مجلس شورای اسلامی در تصویب طرح بدست آوردند، بهیچوجه نباید آنرا تنها بخود مشی آینده "صدا و سیما" - با تمام اهمیتی که دارد - منحصر کرد، بلکه باید پیروزه اولاً به رویارویی "خط"ها در یکی از حساسترین زمینه ها، و ثانیاً به توان نیرومند و امید بخش

پیروان خط امام در غلبه بر مخالفان منظور پیشبرد نظریه درست و انقلابی تکیه کرد. اگر این توان بیش از پیش به فعل درآید و مردم ثمرات روزمره و مستقیم و ملموس آن را هر چه بیشتر ببینند، انقلاب در راه دشوار تحکیم خود به کامیابی بزرگی نائل خواهد آمد.

● شهادت ابراز عقیده

در یک نطق قبل از دستور، نماینده آمل در مجلس شورای اسلامی، در این هفته، پیرامون برخی از گفته های آقای هاشمی رفسنجانی رئیس مجلس، گفت:

"امیدوارم خداوند شهادت اینگونه ابراز عقیده را به همه اندیشمندان و صاحب نظران ما عافیت فرماید"

این سخن حکایت از ندرت اعلام مواضع صریح و قاطع از جانب پیروان راستین خط امام و مسئولان طراز اول می کند، که در جستجوی شانتاز و محیط اطراب، که ساخته و پرداخته حجتیه های او یا قشربون و یا لیبرالیست، بسیاری از آنها حرف خود را نمی گویند و عقیده خود را ابراز نمیکند و میدان را برای موربانها و بختکهای انقلاب بازمی گذارند.

خطبه های این هفته نماز جمعه تهران مناسبت دیگری برای آشنائی با آن شهادتی است که نماینده آمل خواهان آنست. در این هفته آقای هاشمی رفسنجانی با دلایل فقهی مالکیت نامحدود و بدون توجه به ریشه مشروعیت آن را بکلی رد کرد و فاطمانه از تنز مالکیت محدود و مشروع دفاع کرد، در حالی که همه می دانیم که برخی روحانیون و "فقها" در همین سه ساله مارها و شدیداً مدعی

تقدس و اصالت مالکیت "نامحدود" شده اند. رئیس قوه مقننه از جمله گفت:

"آزادی با هدایت دولت طوری تنظیم می شود که حکومت سرمایه و هزار فامیل و حکومت واسطه ها بر عامه مردم بوجود نیاید". در اسلام مالکیت نامشروع هیچ ارزشی ندارد. آنها غصب است و تمامی را می گیریم"، آنچه نود درصد و یا بیشتر از جامعه را از عدل اقتصادی محروم کند، انقلاب را از بهترین پشتوانه هایش، که محرومین هستند، محروم میکند. "این مردم بودند که انقلاب را پیروز کردند، لیبرالها را از میدان بدر کردند، آمریکا را از این مملکت بیرون کردند، جنگ را بنفع ما خاتمه می دهند". نه تنها "مزارعه اگر صحیح نباشد، باطل میشود"، بلکه پیروزه "اصل مزارعه می رود روی بذر نهمین". و این نکته بس مهمی است که جلوی مالکزمین را در تحمیل مزارعه می گیرد و بهانه "شرعی" را برای ذبح قانون از جنگ "عاطف المالکین" بدر می آورد. و بالاخره: "شرطش (شرط مطرح بودن و قدرتمند بودن جمهوری اسلامی) اینست که راه، همین راه مستقیم باشد، جهت گیری درست باشد، جهت گیری برگردد به طرف دلالها و گردن کلفتها...".

ما بخصوص جملات متعددی از خطبه های نماز جمعه این هفته را نقل کردیم، تارفاً در بحثها و روشنگریهای خود با نمونه های تازه ای از موضع گیری رئیس مجلس و نماینده سرشناس خط امام آشنا باشند و همچنین به نماینده آمل حق بدهند که آرزو کرده است همه خط امامی ها در خود شهادت لازم را برای ابراز عقیده پیدا کنند، زیرا که چه بسا مسلمانان صدیق و مبارز و پیرو خط امام، که

همین نظریات را دارند، ولی از ترس برجسب "توده های" و مارک "کونیست" از بیان آنها و از مبارزه بخاطر تحقق آنها استراز می جویند، یعنی همان چیزی که مخالفان خط امام خواستار آنند.

● مسئله بخرنج و حیاتی زمین

طی این هفته چندین بار و بحق مسئله تعیین تکلیف اراضی مزروعی و اجرای اصلاحات ارضی شایسته انقلاب و سرنوشت قانونی که اینک بندهای "ج" و "د" آن بعضی رهایی ملیونها دهقان از چنگال بزرگ مالکی است، مطرح شد. کمیسیون ویژه ای که در مجلس شورای اسلامی تشکیل شده، اعلام کرد که بحث فصل سوم طرح قانونی، که کلیات آن در اسفندماه به تصویب مجلس رسیده بود و همان طور که می دانید حاوی نکات ضعف جدی و ناراضیهای متعدد و مسخ کننده است. در این کمیسیون پایان یافته و حتی از فصل چهارم، تا بندیک ماده هشت "با تغییرات و اصلاحاتی" تصویب شده است. این تغییرات و اصلاحات چیست، کسی نمی داند. در حالی که در اینجمله نه فقط سرنوشت ملیونها دهقان، بلکه قدرت انقلاب برای نیل به یکی از اهداف اساسی اش مطرح است. بطاوه آشنائی فعلی نماینده مجلس در پاسخ به پرسش موکلین گفت که طرح قانونی تا دو ماه دیگر برای شور نهائی آماده میشود. در حالی که قرار بود شور دوم در اردیبهشت و حداکثر در خرداد انجام پذیرد. دو ماه دیگر در برخی نقاط کشت پاییزه آغاز خواهد شد و در برخی دیگر در آستانه آن خواهیم بود. با این تعویق جدید، امکان گزتری در اختیار مجربان خواهد بود، تا به موقع و موثر کار واگذاری را به

سرانجام مطلوب برسانند. در همین هفته آقای بانکی سرپرست سازمان برنامه. ضمن آنکه توجه به حقیقی به مسئله آب مسی کرد. متأسفانه از اهمیت مسئله زمین کاست و گفت: "در تاریخ دیده‌ایم که مسئله زمین در ایران چندان بی‌توجه نبوده است".

ولی کفایت به همین کش وقوسرها و فراز و نشیبهای سه‌سال اخیر برای حل این مسئله تاریخی توجه کنیم، تا ببینیم که حتی پس از انقلاب برای پهنه‌بستان تا چه اندازه غلبه بر مقاومت بزرگ مالکان و عمال آنها دشوار و بخرچ بوده است. ضمناً در این هفته مصاحبه دبیر هیئت هفت‌نفری سیستان و بلوچستان در اطلاعات انتشار یافت، که وی در آن ضرورت حل مسئله را برای مقابله با خوانین و سردارها و قاجارچیان و ضدانقلابیون خاطر نشان ساخته و گفت: "برای رسیدن به مردم محروم و جذب آنها و ایجاد یک جریان سالم، نیاز به یک سری کارهای انقلابی و ضربتی است." وی درباره چنین اقدام ریشه‌ای بر لزوم حذف تبصره مربوط به اجاره و مزارعه، که بقول وی "راههای زیادی را باز میکند برای مالک و خان که بتواند از این تبصره سوء استفاده بکند" و اینکه در آینده هم "خان زمینش را به مزارعه و اجاره به کشاورز بدهد و از واگذاری اسلامی آن فرار کند"، تأکید کرد.

بعلاوه در هفته ماقبل، در جمع مدیران تعاونی روستایی، آقای هاشمی رفسنجانی رئیس قوه مقننه گفته بود: "باید قدمهای سریعتری به نفع روستائیان برداریم... برای گرفتن حقوق محرومان روستاها از تمام امکانات خود استفاده کنید".

این رهنمود، هم بخاطر خود میلیون‌ها روستایی اهمیت دارد و هم بخاطر مردفاع از انقلاب و تحکیم صفوف توده‌های زحمتکش.

دهقانان ما امیدهای فراوانی به انقلاب خودشان، انقلاب پهنه بدستان و کوخ نشینان، بسته‌اند. آنها علیرغم ادامه سلطه خوانین و بزرگ مالکان در بسیاری نقاط، علیرغم آنکه قانون اصلاحات ارضی بنیادی هنوز تصویب و اجرا نشده و بند "ج" بنسب از پای دهقانان شهیدست برنداشته، و حتی علیرغم این واقعیت که در برخی نقاط متأسفانه شاهدند که اربابان باز می‌گردند، و با حاکمی در دست، زمینهای "خود" را طلب میکنند، باز هم منتظر و امیدوار و مطمئنند که در اجرای رهنمودهای امام و در تحقق آن همه وعده و سخنی که مسئولان امور گفته‌اند و داده‌اند، به نفع آنها دولت انقلابی هرچه سریعتر گام برخواهد داشت.

زندگی ثابت کرده‌است که بزرگ مالکان و خوانین و اربابان تنها زالوهای غارتگر و بلای جان دهقانان نیستند بلکه علاوه بر آن، نطفه فساد ضدانقلابی و قانون تحریکات و تشنجات خرابکارانه و مرکز فعالیت‌های مختلف براندازی بودند و هستند. در اطلاعاتی که به هنگام اعلام رسمی خبر دستگیری خسروخان قشقایی، ارباب غارتگر و وابسته، منتشر شد، گفته می‌شود: "خوانین زالو صفت و مزدور بیگانه سالها خون عشاير مستضعف و محروم را مکیده و آثار جنایات و ستمهای فراوانشان بر چهره‌های رنج دیده عشاير و روستائیان محروم مشهود است". این ارزیابی درست را، که درباره جمع بزرگ مالکان و اربابان و متاعه یک طبقه، صدق می‌کند و آن رهنمود آقای هاشمی رفسنجانی و

موضع گیری هیئت هفت‌نفری سیستان نشان می‌دهد که برای گام نهادن در راه منابع روستائیان، باید در درجه اول وقیل از هر چیز دست اربابان را کوتاه کرد، قانون واگذاری زمین را بدون "ذبح شومی و بدون گذشتها و ارفاقهای مسخ‌کننده‌ای که در طرح کنونی نسبت به بزرگ مالکان شده، تصویب کرد و سپس آنرا با سرعت و قاطعیت به اجرا درآورد.

اگر به رسم: برای اجرای این مهم، چه باید کرد، بهترین جواب را خود دهقانان داده‌اند. در روزنامه‌ها نامه دهقانان جعفر آباد از توابع نجف‌آباد اصفهان، که "دهی است شهید پرور"، چاپ شد. دهقانان می‌نویسند که:

"ما خواهان قاطعیت در مقابل فئودالها و مترقیین، این حامیان امریکای جنایتکار و خائنینی چون بنی صدر و قطب زاده و روحانی - نمایانی چون شریعت‌مداری هستیم. ما از مجلس استدعا داریم که با حذف عباراتی چون استثناء اراضی مکانیزه و باغات و مراتع و بسا دادن حق اولویت به فرزندان مالکین و با در نظر گرفتن "مدیریت مستقیم"، که میتواند راه فزاینده‌ای از اجرای حق باشد، و حذف مزارعه و اجاره و نیز پرداخت بهای زمین به مالکین از طرح اخیر که کلیاتش تصویب شده، مشت محکمی بدهان امریکا و فئولهای داخلی آن بکوبند".

چه خوب و روشن دهقانان جعفرآباد نجف‌آباد اصفهان رابطه بین بزرگ مالکی و توطئه‌های امریکا را فاش ساخته و چه رسا و بلیغ تمام نکات ضعف و نارسائیهای طرح قانونی کنونی را برشمرده و

نمایندگان راه‌نمایی و ارشاد کرده‌اند. اگر قصد واقعا خدمت به منافع زحمتکشان روستاها باشد، باید سخنان آنها را شنید و هم - چنین این سخن پاسدار شهید حسین حدامی، دهقانی از تبادکان خراسان را، که در وصیتنامه خود چنین راه‌نمایی می‌کند:

"از کلیه اهالی برای من حلال بودی طلب نمائید، بجز فئودال ها و عوامل داخلی، که من مبارزه با ایندیار کمتر از امریکا نمیدانم". دهقان پاسدار شهید سارزه با فئودالها را با چنین تأکیدی توصیه می‌کند، ولی هنوز معلوم نیست که خواسته‌های بحق و راه - نمایی‌های دهقانان ده چندین شهید داده جعفرآباد بطور مشخص در کمیسیون ویژه در نظر گرفته شده است یا نه.

سه سال و نیم از پیروزی انقلاب می‌گذرد. آیا تا کی تکلیف مالکیت زمین‌ها تا معلوم خواهد ماند؟ آیا باز هم بزرگ مالکان به اشکال مختلف اجاره و سهم بری و نصفه کاری و با مزدوری بخشی از نعره کار زحمتکشان خاک را بخود اختصاص خواهند داد؟

بدون شک انقلابیون ایران، تمامی پیروان راستین خط امام و همه مبارزان راه زحمتکشان و در درجه اول خود دهقانان، که نظیر حسین خدامی‌ها را رنثار انقلاب کرده‌اند، قادرند بر مقاومت اربابان و وابستگان آنها چیره شوند، مانع "ذبح شومی" قانون گردند و اصلاحات ارضی بنیادی و ریشه‌کن کردن بزرگ مالکی را به انجام رسانند این یک نیاز حیاتی انقلاب و یک خواسته مردم میلیونها دهقان است

جهان

● امریکائهارا در لبنان به صحنه می‌آیند

هنگامیکه امریکایی‌های امریکائی و دست نشانندگان صهیونیست آنها در مورد تهاجم اخیر ارتش اسرائیل به لبنان به توافق رسیدند هرگز در انتظار چنین بهایمدهای ناگواری نبودند. صهیونیستهای اسرائیل جزئیات این تهاجم را از مدت‌ها قبل بررسی، تدارک و تمرین کرده بودند و تصور می‌کردند که مسئله سازمان آزاد بخش فلسطین، یا به قول خودشان "توربستهای فلسطینی" را در طرفیکی دور روز حل خواهند کرد. جهان را در برابر عمل انجام شده قرار خواهند داد و بدنبال آن مرحله بعدی استراتژی خودشان را، که بزاسو در - آوردن سوریه و سپس سرکوب تمام جنبشهای مترقی و انقلابی منطقه است، با همین شوه‌آدمه خواهند داد. اسرائیل به همین منظور با نیروی عظیم شامل صد هزار سرباز، ۲۵۰۰ تانک، قریب ۳۰ هوا - پیمانه به لبنان حمله کرد، تا در یک جنگ "برق‌آسا" مجال هرگونه مقاومت را از نیروهای فلسطینی، سوری و لبنانی بگیرد. در روزهای نخست تبلیغات امریکاییستی خبر پیروزیهای ارتش اسرائیل وضعف و زبونی نیروهای مقاومت را یکی بدنبال دیگری پخش می‌کردند. اما اکنون که بیش از یک ماه می‌گذرد، معلوم می‌شود که صهیونیستهای اسرائیل با وجود تلفات سنگینی، که بر مردم غیرنظامی لبنان و فلسطینی‌ها وارد کرده‌اند، به هیچ یک از هدفهای سیاسی خود

دست نیافته‌اند. هنگامی که نخستین نشانه‌های عدم موفقیت اسرائیل در تاختک جنگ برق‌آسایش نمایان گشت، نیویورک تا بهز نوشت: "بنظرمی‌رسد که صرف نظر از ملاحظات انسانی، واشنگتن بخاطر واقعیات سیاسی هم‌کبود، بایستی بفوریت دست بکار میشد و جلوی تهاجم اسرائیل به لبنان را می‌گرفت!". ملاحظات انسانی واشنگتن لاقبل برای ما ایرانها نیاز به توضیح چندانی ندارد. اما واقعیات سیاسی که این سخنوری انحسارات بزرگ امریکائی به آن اشاره می‌کند و آنرا توضیح می‌دهد. چنین است: "دو سال پس از بحران سونز در سال ۱۹۵۶ رژیم سلطنتی عراق سقوط کرد، دوسال پس از پیروزی اسرائیل در سال ۱۹۶۷ انقلاب قذافی در لیبی روی داد... در مورد فلسطینی‌ها نیز حمله اسرائیل موجب چنین واکنشهایی خواهد شد".

مفسر سیاسی بی‌بی‌سی می‌نویسد: "بین مقامات امریکائی بر سر این مسئله اختلاف بوجود آمده است که آیا تجاوز اسرائیل فرصت مناسبی برای امریکا بوجود آورده است، یا علت شکست امریکا در خاورمیانه شده است". عبارت دیگر، تجاوز اسرائیل به رشد و تقویت جنبشهای انقلابی و ضد امریکاییستی کمک کرده‌است یا موضع نیروهای طرفدار امریکاییسم و رژیمهای ارتجاعی را محکم‌تر کرده است؟ آیا دوسال بعد از این حمله رژیم سلطنتی دیگری، این بار در اردن یا عمان یا عربستان سعودی یا مغرب و غیره سقوط خواهد کرد و آن "توازن" کذایی را، که امریکایی‌های امریکائی اینقدر برای آن سینه‌درآسی می‌کنند به هم نخواهد زد؟ این مسئله بویژه، با در نظر گرفتن اینکه رژیمهای انقلابی در

ایران و افغانستان، علیه تمام توطئه‌ها و خرابکارها، روبه‌تثبیت و استحکام می‌روند، برای دنیای امپریالیسم، که رگ جانش به این منطقه بسته است، اهمیت بیشتری پیدا می‌کند. جهان انقلابی عرب متفقان نیرومندی در منطقه یافته است، که حاضرند در مبارزه ضد صهیونیستی ضد امپریالیستی به آن کمک‌های گرانبهای ابراز دارند. جبهه متحد نیروهای انقلابی، که از پشتیبانی دنیای سوسیالیسم نیز برخوردار خواهد بود، اگر امروز هم در اتریشانت کسانیه چون صدام و حسنی مبارک و دیگران تشکیل نشود، در آینده ای، که "نیویورک تایمز" از آن می‌ترسد، بی‌تردید تشکیل خواهد شد، و در این جبهه، سازمان آزادیبخش فلسطین با هدفهای انقلابی ضد امپریالیستی و ضد صهیونیستی آن، یکی از مهمترین نقش‌ها را به عهده خواهد گرفت. سازمان آزادیبخش فلسطین نه تنها بدلیل این هدفها، بلکه به لحاظ تجربه معتد سیاسی، که طی سالها مبارزه، در شناخت درست مسائل منطقه و جهان بدست آورده است، توانایی پیاده کردن این هدفها را نیز در پیچ و خم روندهای بسیار مبهم و متناقض دنیای عرب یافته است. و به همین دلیل صهیونیستهای اسرائیلی و حامیان امریکائی آنان محو این سازمان پیشتاز انقلابی و اگر نتوانند، لااقل ناتوان کردن آن تا مرز انفعال را یکی از بالاترین مقاصد استراتژیک خود می‌دانند. کینه حیوانی صهیونیست‌های اسرائیلی و امپریالیستهای امریکائی بویژه علیه روابط نزدیک است که بین این سازمان و دنیای انقلابی، از کشورهای سوسیالیستی گرفته تا کشورهای ضد امپریالیست "دنیای سوم" برقرار شده است. این

کینه، هرچند در خفا، در قلب سران رژیمهای مرتجع عرب نیز زبانه می‌کشد. البته آنها نمی‌توانند، از ترس ملت‌های خودشان آشکارا از اسرائیل و امریکا طرفداری کنند، اما در دیپلوماسی مخفی خودشان در رابطه با سازمان آزادیبخش فلسطین، عیناً همان سیاست تضعیف و خارج کردن سازمان آزادیبخش فلسطین از صحنه سیاست خاورمیانه را دنبال می‌کنند. البته رهبران سازمان آزادیبخش فلسطین هم خیلی بیشتر از کسانی که هزاران فرسنگ دور از آتش نشسته‌اند و به آنها دستور می‌دهند که چه بکنند و چه نکنند به ماهیت رژیمهای مرتجع عرب واقفند و سیاست خود را درچار - چوب دوگانگی سیاست آنان و راندن آنها بمواضع ضد صهیونیستی و ضد امپریالیستی زیر فشار خلق‌هایشان، دنبال می‌کنند. رژیمهای مرتجع عرب نیز نمی‌توانند - بخصوص در شرایطی که اسرائیلی‌ها به دستور و کمک امریکا بمب بر سر فلسطینی‌ها و لبنانی‌ها می‌ریزند - اتحاد و همکاری خود را با امپریالیسم امریکا توجیه و تیرته کنند. شاید برای هیچ خلقی و هیچ سازمان سیاسی در جهان به قدر خلق فلسطین و سازمان آزادیبخش فلسطین، دیگران نسخ و برنامه صادر نکرده باشند، اغلب این نسخه‌ها و برنامه‌ها نیز از عدم آگاهی و عدم شناخت شرایطی که سازمان آزادیبخش فلسطین در آن مبارزه می‌کند سرچشمه می‌گیرد. درستی سیاست سازمان آزادیبخش فلسطین را می‌توان با یک محک سنجید و آن دشمنی عمیقی است که تمام نیروهای ارتجاعی و امپریالیستی جهان با آن دارند و تمام توان خود را برای سرکوب، و اگر نتوانند، ناتوان کردن آن بیکار پس از حمله اسرائیل به لبنان و پیامدهایی که خواه در دنیای امپریالیستی، خواه در جهان عرب و خواه در خود اسرائیل بسه

دنبال آورد (و ما آن را در هفته گذشته مختصراً شرح دادیم) اکنون همه، از ریگان تا بگین، از حسنی مبارک تا میتران، از ملک فهد تا ملک حسین، به "چاره‌جویی" برخاسته‌اند. مقاومت قبرمانسان فلسطینی، که از پشتیبانی مہین دوستان لبنانی و نیروهای سوری برخوردارند و احتمال درگیری اسرائیل در جنگی که تلفات غیر قابل تحملی را (البته به مقیاس اسرائیل) بدنبال خواهد آورد، طرح‌های مختلفی را از سوی "میانجی‌گران" به میان آورده است، که در یک حمله خلاصه می‌شود: سازمان آزادیبخش فلسطین باید مانند یک نیروی موثر نظامی - سیاسی صحنه خاورمیانه و نزدیک‌را ترک کند.

چندروز پیش ریگان در یک سند رسمی، که از کاخ سفید منتشر شد، اعلام کرد که دولت امریکا قصد دارد گروهی از تفنگداران دریائی خود مستقر در ناوگان مدیترانه را "برای جلوگیری از خون‌ریزی و برقراری صلح" بمشطقه غرب بیروت اعزام دراد، تا در ترکیب نیروهای به اصطلاح چند ملیتی (از نوع نیروهاییکه در سینا مستقر کرده‌است) خروج فلسطینی‌ها را از غرب بیروت تا مین کنند! در سند رسمی کاخ سفید نه تنها سخنی از خروج نیروهای اسرائیلی در میان نیست، بلکه پس از ورود نیروهای امریکائی به خاک لبنان نیز آنان بحضور گسترده خود در مناطق اشغال‌شده ادامه خواهند داد، بدگر سخن، لبنان بوسیله نیروهای مشترک اسرائیلی - امریکائی (و شاید یکی دو کشور غربی با وابسته) اشغال خواهد شد و آنچه را اسرائیلی‌ها به تنهایی نتوانسته‌اند به انجام برسانند، ارسابان

امریکائیشان باید به پایان می‌رسانند. واضح است که اگر امریکا خواهان "جلوگیری از خونریزی و برقراری صلح" بود، به اسرائیل "کارت سبز" میداد. مداخله مستقیم امریکا در لبنان تنها سر شتری است که وارد خیمه می‌شود و بدنبال آن باید در انتظار حوادث بزرگتری بود. رادپوهای خارجی، و البته در رأس آنان رادپوی اسرائیل، خبر دادند که طرح ریگان با موافقت عربستان سعودی تنظیم شده است. رادپو اسرائیل گفت: "عربستان سعودی در رأس کشورهای عربی بود که ایالات متحده را قانع ساخت، که نیروی صلح به لبنان بفرستد. بگفته‌ام مقام، عربستان سعودی مایل نیست حتی یک نفر از خوابکاران را (اصطلاح صهیونیستها برای سازمان آزادیبخش فلسطین) در خاک خود بپذیرد."

جبهه واحد امپریالیسم - صهیونیسم و ارتجاع منطقه علیه سازمان آزادیبخش فلسطین شکل می‌گیرد و این سازمان انقلابی را با یکی از بحرانی‌ترین ادوار تاریخ خود روبرو می‌کند. در برابر این جبهه نیروهای انقلابی و مردمی در سراسر جهان به پشتیبانی از خلق عرب فلسطین و سازمان پیشتاز آن باخاسته‌اند و در این میان صدای اتحاد شوروی، پشتیبان تمام جنبشهای اصل انقلابی، رساتر از همه بگوش می‌رسد.

● پیام لئونید برژنف به ریگان

خبرگزاری تاس متن پیام لئونید برژنف رهبر اتحاد شوروی را در ارتباط با تصمیم مداخله مستقیم نظامی امریکا در لبنان منتشر ساخت. در این پیام رهبر شوروی به ریگان هشدار می‌دهد که دولت امریکا باید بتواند که در این لحظه که حوادث لبنان و مسائل مربوط

به آن به اوج بحران خود رسیده است به پیروی از "احساس مسئولیت و عقل سلیم بر نقش‌های تابع مقتضیات روز فائق آید". رهبر شوروی اظهار امیدواری می‌کند که ایالات متحده واقعا خواهان برقراری صلح در خاور نزدیک باشد و تمام نیروی خود را برای پایان دادن به تجاوز اسرائیل بکار برد و اقدامات امریکا و فرستاده ویژه امریکا (فلیپ حبیب) پرده استتاری برای ادامه تجاوز اسرائیل و قتل عام ملت عرب فلسطین نباشد. لئونید برژنف به ریگان می‌نویسد که اگر نقشه امریکا دایره به اعزام نیرو به لبنان عملی شود، اتحاد شوروی سیاست خود را در انطباق با این وضع تعیین خواهد کرد.

به دنبالش پیام لئونید برژنف، تاس خبرگزاری رسمی شوروی طی تفسیری، ادعاهای بوج سران امریکا را در مورد تلاش برای جلوگیری از خونریزی و برقراری صلح را یک مانور فزینکارانه و "لفاظی موزونه" برای اشغال لبنان بوسیله نیروهای مشترک اسرائیلی و امریکائی نامید و گفت که اکنون امریکا می‌خواهد "از تجاوز اسرائیل به لبنان که با همکاری واشنگتن و تل‌آویو طرح‌ریزی و اجرا شده است، بسود خود بهره‌گیری کند". تاس افزود که نقشه‌های امریکا اوضاع خاور نزدیک را سرعت به مرز انفجار نزدیک میکند. ابواباد، یکی از رهبران ذینفوذ سازمان آزادیبخش فلسطین گفت که پیام لئونید برژنف به ریگان نشانه آنست که اتحاد شوروی در مبارزه سازمان آزادیبخش فلسطین و نیروهای ملی و مہین دوست لبنان، اکنون نیز، مانند همیشه، در کنار ما جای گرفته است.

هدف تجاوز اسرائیل به لبنان، که اکنون با مداخله مستقیم امریکا تکمیل میشود، تنها متوجه سازمان آزادیبخش فلسطین و سایر نیروهای انقلابی لبنان نیست. بدنبال این نخستین گام، با هستی گامهای بعدی در جهت اعمال فشار نظامی و سیاسی بر سوریه و ایجاد تزلزل در حکومت آن کشور و حتی براندازی رژیم ضد امپریالیستی سوریه برداشته شود. سوری‌ها در این تجاوز اسرائیل به لبنان ضربات دردناکی بر ارتش اسرائیل وارد کردند. سوریه تنها در یک نبرد تانک، در روز یازدهم ژوئن، در حدود ۵۰ تانک اسرائیلی را منهدم کردند. موشکهای سوری ده‌ها فرزند از بهترین هواپیماهای امریکائی اسرائیل را سرنگون کردند. البته سوریه در شرایطی که اسرائیل در اثر قرارداد کمپ‌دیوید امکان آن را یافته است، که تمام نیروهای خود را در یک جبهه متمرکز کند، مایل به یک درگیری وسیع بسا ارتش اسرائیل، که در وضع کنونی بسود آنان تمام نمی‌شود نیستند در همین جا باید یادآور شویم که جنگ احتمالی عراق بر ایران نیز سوریه را در برابر تهاجم اسرائیل دست تنها گذاشته است و سوری‌ها خود به تنهایی قادر به یک جنگ تعرضی برضد اسرائیل نیستند، اما می‌توانند از خودشان دفاع کنند، بخش قابل ملاحظه‌ای از ارتش اسرائیل در برابر خودنگاه دارند، از فشار آنان بر مبارزان فلسطینی و لبنانی در غرب بیروت بگذاشتن و جنگ برق‌آسای اسرائیل را به یک جنگ فرسایشی تبدیل کنند. آنچه که امپریالیستهای امریکائی را به شتاب دربار مداخله مستقیم برانگیخته است، نیز دورنمای چنین جنگی است، که اسرائیل بویژه با موج اعتراضات و مقاومت‌هایی که در خود اسرائیل و در سرزمین‌های اشغال‌شده آن برخاسته است، نتواند تحمل آن را ندارد.

در حال حاضر سرنوشت فلسطینی‌ها و سوریه بیش از هر زمان دیگری هم گره خورده است. سوریه با کمک به دریغ دنیای سوسیالیسم بویژه اتحاد شوروی در برابر جنبه متحد صهیونیسم با امریالیسم و ارتجاع عرب ایستادگی کرده است و این ایستادگی، مانند مقاومت قهرمانانه کنونی فلسطینی‌ها، تاکنون تمام طرحها و برنامه‌های تجاوزکارانه و سازشکارانه جنبه ارتجاع را برهم زده است. سوریه خود به نقشی که کمک دنیای سوسیالیسم، بویژه اتحاد شوروی، در سرنوشت کشورشان و تمام جنبش انقلابی منطقه داشته و دارد، واقفند و با سیاستگری از آن یاد میکنند. روزنامه "البعث" ارگسان حزب حاکم سوریه، چندروز قبل نوشت:

"مردم سوریه و رهبری سیاسی و نظامی آنان تاثیر و مقیاس کمک اتحاد شوروی را در امر پیشرفت و ترقی کشورشان و تحکیم قدرت نیروهای مسلح کشورشان به بهترین وجه درک می‌کنند و به هیچ کس اجازه نمی‌دهند که دوستی اتحاد شوروی و سوریه را مورد تردید قرار دهد. روزنامه نامبرده می‌افزاید: تنها کمکهای دائمی اتحاد شوروی، کمکهای که در تمام این روزهای بحرانی هرگز قطع نشد، بود که سوریه توانست در کنار خلق فلسطین و مردم لبنان مبارزه خود را بر ضد امریالیسم، صهیونیسم و ارتجاع ادامه دهد".

غیرگزاری تاس بدنبال پیام لئونید برزوف به ریگان اعلام کرد که اتحاد شوروی ارسال سلاحهای لازم به سوریه را برای افزودن قدرت رزمی آن در برابر تجاوز اسرائیل از سر گرفته است.

دنیای امریالیسم تلاش فراوانی می‌کند که کورهای ضد امریالیست "دنیای سوم" را از پشتیبانی دنیای سوسیالیسم محروم کند و بار دیگر حلقه بردگی نواستعماری را برگردان آنان بپوشاند. امریالیستهای امریکایی برای پیشبرد این سیاست از شیوه‌های مختلف استفاده می‌کنند، که یکی از آنها تبلیغ بیفایده‌گی این پشتیبانیت از نخستین روزی که اسرائیلیها تجاوز خود را به لبنان آغاز کرده‌اند رسانه‌های امریالیستی تبلیغات وسیعی را در این زمینه پراشانده‌اند که اتحاد شوروی دیگر، بقول خودشان، "مشترک‌بیش" را رها کرده و تنها به "اعلامیه" دادن بسنده کرده است. حتی برخی از سران کشورهای انقلابی نیز در دام این تبلیغات امریالیستی افتادند و از "سوغتن" دوستی امراب و اتحاد شوروی در برابر دیوارهای بیروت سخن گفتند. مقاله "البعث"، که از آن نام بردیم، در پاسخ این تبلیغات نوشته شده است. سران سازمان آزادیبخش فلسطین نیز، از خود پاس حرفات گرفته تا ابواباد، فاروق قدوسی، حبش و دیگران بارها و بارها از پشتیبانی به دریغ و بیفرضانه اتحاد شوروی از خلق عرب فلسطین سیاستگری کرده‌اند.

پشتیبانی از جنبشهای انقلابی در سراسر جهان از ماهیت دنیای سوسیالیسم و منافع مشترک آن با این جنبشها سرچشمه می‌گیرد. بدون این پشتیبانی، نه کوبا سرپایش باقی می‌ماند، نه ویتنام پیروز می‌شود، نه آنگولو موزامبیک و نه سایر کشورهای مستعمره می‌توانستند خود را از یوغ امریالیسم نجات دهند. اگر کوبا در آنسوی جهان از پشتیبانی اقتصادی، سیاسی و نظامی دنیای سوسیالیسم برخوردار نبود، سالها پیش طعمه کرکشیهای امریالیستی شده بود. مداخله امریالیسم علیه کشورهای "دنیای سوم" و جنبشهای

انقلابی همیشه شکل آشکار تجاوز صهیونیستی به لبنان را نمی‌گیرد. تحریک، دسیسه، ترور، خرابکاری و توطئه وسایل دیگری هستند که امریالیستها، از آنها زیر ماسکهای مختلف برای براندازی رژیم‌های انقلابی استفاده می‌کنند. چندی پیش، در آستانه تجاوز سابق اسرائیل به لبنان، ما شاهد توطئه ضدانقلابی اخوان المسلمین در سوریه بودیم. همین دسیسه را می‌خواستند با شیوه دیگری به دست "مبارزان مسلمان" افغانی در افغانستان پیاده کنند، که این هم با کمک و پشتیبانی اتحاد شوروی با ناکامی روبرو شد.

● شکست کامل ضدانقلاب در افغانستان

رژیم دموکراتیک افغانستان، که بدنبال انقلاب "ثور" روی کار آمد، پس از یک سلسله دشواریهای بزرگ و کوچک، اکنون تثبیت می‌شود. ضدانقلابیون فقط از پایگاه‌هایی که در کشورهای مجاور دارند و اغلب در عین حال مراکز جنایت، فاجاق مواد مخدر، دزدی و غیره هستند، دسته‌های کوچک تروریستی بداعیل افغانستان می‌فرستند و همچون کشورها، گاهی فلان عضو حزب یا شخصیت دولتی را ترور می‌کنند و پس از گذشت مدتی بدام می‌افتند و مجازات می‌شوند. دولت افغانستان توانست تمام طبقات و اقشار ضد-فقودالی و ضد امریالیستی، از بورژوازی متوسط و ملی تا دهقان فقیر را در "جنبه واحد میهنی" گرد آورد. از چپ روسهای ماجراجویانه رهبری سابق کشور، که برخی از آنان مانند حفیظ اللامین مواسیل

نفوذی بودند و چون بنی‌صدر ما به مقامات مالی دولتی رسیده بودند دیگر در سیاست دولت اثری نیست. تقسیم زمین بین دهقانان طبق برنامه پیش می‌رود. در شهرهای بزرگ کشور، و قبل از همه در خود کابل، خانه‌سازی به مقیاس وسیع ادامه دارد. اقتصاد افغانستان ملیرغم برخی از دشواریهای ناشی از عقب ماندگی دیرین با گامهای بلند رو به ترقی است. در دوران بعد از انقلاب در افغانستان، ۱۵۰ واحد صنعتی و اقتصادی بکار افتاده است. در سال گذشته تولید ناخالص ملی افغانستان ۲/۴ درصد افزایش یافت. شرکت مردم افغانستان در تظاهرات اعتراض به مداخله خارجی در امور کشورشان، هر روز ابعاد وسیعتری بخود می‌گیرد. چندی پیش جوانان افغانی زیر طوماری که برای دموکراسی ملی فرستادند، یک میلیون و دویست هزار امضا جمع‌آوری کردند. کشورهای امریالیستی و پاکستان دیگر خود به بیپروایی تلاشهایشان برای ایجاد یک تحول جدی در نظام دولتی افغانستان بی‌برده‌اند. پاکستان حتی حاضر شده‌است که از طریق نماینده ویژه سازمان ملل متحد با افغانستان به مذاکره بنشیند. باند‌های ضدانقلابی یکی پس از دیگری، با کمک دهقانانی که زمین گرفته‌اند خلع سلاح و دستگیر می‌شوند. چندی پیش یک باند ضدانقلابی در منطقه پنج‌شیر سرکوب شد. دهقانان محل درخشش کردن این باند ضدانقلابی شرکت فعال داشتند و چند نفر از آنان در نمایشگاهی که از سلاحهای به‌غنیمت گرفته شده ضدانقلابیون در کابل تشکیل شده بود، سخن گفتند. آری، ضدانقلاب در افغانستان شکست کامل خورد. دموکراسی مبارزه برای پاکسازی تمام خاک کشور از گروه‌های کوچک تروریست آغاز شده‌است. این مبارزه نیز بی‌تردید با پیروزی توأم خواهد بود. هر چند که گاه آنان

برای اثبات وجود، در این با آن نقطه کشور خود نمائی خواهند کرد و خبرگزاریهای امریالیستی از گزردن چند صفر در برابر تعداد آنان دریغ نخواهند کرد!

● برای توجه رفقا.

دبیرخانه کمیته مرکزی حزب تودما بران طی اطلاعیه‌ای، ضمن تحلیل وضع لحظه در منطقه و ایران در ارتباط با "روز قدس"، همه میهن‌دوستان، استقلال‌طلبان، آزادیخواهان و عدالت‌طلبان و همه رفقا و هواداران و دوستان حزب را فراخوانده‌است که در تظاهرات روز قدس هرچه وسیعتر شرکت کنند و اتحاد ضد امریالیستی و ضد صهیونیستی را تحکیم بخشند.